



شناخت جهان تنها در پرتو تعقل و فلسفه ورزی ممکن است/ فلسفه در ذات ایرانیان وجود دارد

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی گفت: تنها فلسفه و تفکر عقلی است که می تواند عالم را بفهمد و انسان تنها در پرتو فلسفه ورزی و تعقل فلسفی می تواند به شناخت جهان نایل آید.

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی گفت: تنها فلسفه و تفکر عقلی است که می تواند عالم را بفهمد و انسان تنها در پرتو فلسفه ورزی و تعقل فلسفی می تواند به شناخت جهان نایل آید.

دکتر قاسم پورحسن در مورد تفاوت فلسفه ورزی با فلسفه خوانی به خبرنگار مهر گفت: حقیقت فلسفه چیزی غیر از دغدغه های عقلی نیست. دغدغه های عقلی با حیات و زندگی انسانها در پیوند است. مهمترین کارکرد فلسفه، تأثیرگذاری بر روند حیات و زندگی انسانهاست. فلسفه ورزی به معنی دغدغه های فلسفی و عقلی و تفکر عقلی داشتن است.

وی تصریح کرد: جوامع زیادی می شناسیم که فلسفه می خوانند ولی حیرت و دغدغه فلسفی درونشان نیست. اصلاً اینطور نیست که انسانها یا جوامع و یا گروه هایی که فلسفه خوان هستند فیلسوف تلقی شوند. باید دغدغه های فلسفی داشت. جامعه ایران دغدغه های فلسفی دارد. بنابراین در باب فلسفه، ما فلسفه ورزی می کنیم. همچنان که ممکن است کسی شعرخوانی کند ولی دغدغه شعر نداشته باشد. همان جمله معروفی که هایدگر عنوان می کند بسیاری از انسانها شعر را از باب تفنن می خوانند اما حقیقت شعر آن وجه استعلا و تعالی یافته اندیشه است. فلسفه هم همینطور است.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی افزود: فلسفه نه تفنن، نه آرایه و نه صرفاً از باب این است که خوانده شود فلسفه به دردی می خورد راه و پرسش است. جوامع و انسانهایی که با پرسش زندگی سروکاردارند به فلسفه روی می آورند. اینگونه نیست که با فلسفه خوانی پرسش زندگی مطرح شود تنها با فلسفه ورزی است که عقل، نیرومند می شود و پرسشهای حیات و زندگی بشر را شکل می دهد. فلسفه بدون حیرت و بدون دغدغه و پرسش معنا ندارد. بنابراین اگر می خواهیم بفهمیم جامعه ای فلسفه ورزی می کند یا فلسفه خوانی، باید ببینیم که آن فلسفه به چه کار می آید، آیا می تواند بخش بنیادین حیات عقلی و زندگی فکری و اندیشه های آن جامعه شود و یا خیر. چنین جامعه ای اگر دغدغه زندگی و دغدغه عقلی داشته باشد به فلسفه ورزی مبادرت می کند.

این محقق و پژوهشگر مسائل فلسفی در مورد اینکه کدام یک از این دو در جامعه ما رواج دارد هم اظهارداشت: به طور کلی همچنان که بسیاری از نویسندگان عرب هم اذعان می کنند جوامع عرب فلسفه می خوانند اما در ذات ایرانیان فلسفه وجود دارد. ایرانیان نه از باب گردآوری و انباشت اطلاعاتی درباب فلسفه و نه از باب اینکه تاریخی بنویسند بلکه زندگی آنها با تفکر عقلی و فلسفی عجین است. معتقدم از سهروردی وقتی از حکمت خسروانی سخن می گوید تا به امروز که از فلسفه ایران سخن می گوئیم ما دنبال فلسفه ورزی بوده ایم. جامعه ایران هیچگاه بدون تعقل فکری بسر نبرده است گرچه وقفه هایی شکل گرفت و زمان هایی داریم که نتوانستیم آن بالندگی فکری و عقلی را نشان دهیم. اما در عین حال ایرانیان دغدغه های فلسفی دارند.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی افزود: همین دغدغه برای آنها پرسش و حیرت فلسفی را شکل می دهد لذا جامعه ایران مثل سنت آلمانی فلسفه ورز است. فلسفه ورزی به معنای این است که تعقل مقوم حیات آن جامعه است. از همین لحاظ است که ما حتی به شعر، به فردوسی و تفسیری که عطار از فردوسی ارائه می دهد، به مولوی و شرحی که قونوی و دیگران می دهند، به ابن عربی به حافظ نگاه فلسفی و تعقلی داریم. معتقد نیستم که حافظ تنها شعر به معنای تفنن ادبی گفته است بلکه مهمترین مباحث انسان شناسی در مولوی و حافظ مطرح شده است. لذا تربیتی که سعدی در گلستان مطرح می کند به آن بسان یک دغدغه فلسفی و عقلی نگاه می کنیم.

این نویسنده و محقق در مورد اینکه رواج فلسفه ورزی چه تأثیری بر نوع نگرش ما به جهان خواهد داشت هم تصریح کرد: اصلاً نگاه به جهان بدون فلسفه ورزی امکان پذیر نیست. انسان تنها موجودی است که می تواند جهان را بفهمد هیچ موجودی غیر از انسان نمی تواند فهمی از جهان داشته باشد اما نه لزوماً انسان به معنای عام، بلکه انسانی که فلسفه ورزی می کند و دغدغه تعقل دارد. فهم جهان مبتنی بر اندیشه است این اندیشه مقوم انسان است این چنین است که مولوی عنوان می کند انسان تماماً و سراسر اندیشه است به مثابه این است که انسان یعنی فهم، انسان یعنی تلاش برای فهمیدن. به همین خاطر است که وقتی داریم به جهان نگاه می کنیم باید این نگاه از دریچه انسان صورت بگیرد تنها انسان است که می تواند جهان را بفهمد بدون مسئله مهمی به نام فلسفه ورزی یا تعقل یا تفکر فلسفی نمی شود جهان را فهمید.

دکتر قاسم پورحسن ادامه داد: جهان درونش حیرت است پرسش جهان پرسش عقلی است، بدون فلسفه ممکن نیست که بتوانیم از پس این پرسش بریباییم و یا به این پرسش پاسخ دهیم. لذا هیچ یک از علوم که امروز مطرح می کنیم نمی توانند حقیقت جهان را بفهمند.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی افزود: تنها فلسفه و تفکر عقلی است که می تواند عالم را بفهمد از عالم سؤال کند پرسش از چیستی عالم کند. انسان نسبت ذاتی با عالم دارد و انسان است که تنها می تواند در پرتو فلسفه ورزی و تعقل فلسفی به شناخت جهان نایل آید.